

شناسایی عوامل مؤثر در انحرافات جنسی زنان از دیدگاه مردان و زنان (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان)

فرزانه واصفیان*

چکیده

هدف کلی این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر در انحرافات جنسی زنان از دیدگاه مردان و زنان می‌باشد. پژوهش، کاربردی است و در آن از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شده است. همچنین به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده گردیده است. گفتنی است ضریب پایایی پرسش‌نامه ۹۴/۳۵٪ برآورد شد. نمونه آماری مشتمل بر ۱۳۲ نفر از میان دانشجویان، مدیران، استادان و کارکنان واحد اردستان در سال ۸۶ - ۸۵ است که از طریق نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای انتخاب شده‌اند و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و از طریق نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفت. در نهایت، نتایج نشان داد که عوامل خانوادگی و فرهنگی در انحرافات جنسی زنان مؤثر بوده و تأثیر عوامل اقتصادی کمتر است.

کلید واژگان: انحرافات جنسی، اقتصاد، خانواده، فرهنگ، زنان.

* استادیار دانشگاه آزاد واحد اردستان. دریافت: ۸۷/۶/۵ - پذیرش: ۸۷/۱۱/۱۰

طرح مسأله

انسان در طول تاریخ همواره از انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی رنج برده و در جستجوی علل و عوارض این موضوع و رهایی از آن بوده است؛ چرا که به واسطهٔ اجتماعی بودن انسان، هر گونه خلل و چالشی در هر زمینه‌ای می‌تواند پیکرهٔ جامعه را تحت تأثیر قرار داده و سلامت ساختار اجتماعی را به مخاطره اندازد. گفتنی است که واژه «انحراف» از صدها سال پیش در اندیشه و گفتار بشری به کار می‌رفته، ولی تبیین مصادیق جامعه‌شناختی آن نسبتاً جدید است. جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، انحراف را به رفتاری اطلاق می‌کنند که مخرب زندگی بوده، مورد سرزنش قرار گیرد یا موجب لکه‌دار شدن شخصیت و جریمه گردد. دوب (۹۹۸) انحرافات اجتماعی را عبارت از هر نوع وضعیت یا رفتاری می‌داند که اعضای قوی‌تر یک گروه اجتماعی، طی آن، به‌طور معقول، تخلفی جدی را نسبت به ارزش‌ها یا معیارهای مهم خود مرتکب شوند. آلبرت کوهن نادرستی، رذالت، تعارض، تقلب، خدعه، جنایت، و نظایر اینها را انحراف می‌داند. سپس در ادامه می‌افزاید: فهرست کردن این‌گونه انحراف‌ها یا کج‌روی‌های گوناگون امکان‌پذیر نیست. وی به‌طور دقیق رفتار خاصی را به عنوان انحراف مشخص نمی‌کند؛ زیرا بر آن است که هیچ رفتاری خود به خود انحراف نیست، بلکه زمانی یک رفتار «انحراف‌آمیز» نامیده می‌شود که به عنوان «رفتاری غیرعادی» تعریف شود. آکس اینکلز اصطلاح «منحرف» را از لحاظ ویژه رفتاری بسیار گنگ و نارسا می‌بیند. از این‌رو، معتقد است که انحراف نه‌تنها با توجه به قوانین مدون اجتماعی، بلکه با ملاحظه اعمال و امور مورد توافق همگان نیز جنبه نسبی دارد و لازم است بین هنجارهایی که از طریق میانگین‌های آماری تعیین شده با آنچه از طریق مفاهیم اجتماعی، رفتار درست یا اخلاقی تعیین می‌شود، تفاوت قایل شویم.

بنابراین، برای اینکه عملی عنوان انحراف یا کج‌روی به خود گیرد، باید عوامل زیادی را در نظر گرفت. این عوامل شامل اهمیت نسبی هنجارها در دیدگاه افراد، موقعیت خاص آن رفتار و ویژگی‌های فردی و اجتماعی شخصی است که عمل را انجام داده است.

باید دانست جامعه‌شناسان برای فهم علل انحراف، به عوامل اجتماعی و فرهنگی شکل‌دهنده رفتار انسان توجه ویژه‌ای دارند و در تبیین‌های جامعه‌شناختی، بر ساختار اجتماعی و الگوهای کنش متقابل فرد و دیگر اعضای جامعه تکیه کرده، به موارد زیر اشاره می‌کنند:

۱. جامعه‌پذیری ناقص: بر اساس این نظریه، اگر فردی درست اجتماعی نشده باشد، هنجارهای فرهنگی را با شخصیت خود عجین نمی‌سازد. از این‌رو، نمی‌تواند میان رفتار شایسته و رفتار ناشایست تمایز قایل شود.

۲. انحراف‌آموزی: جامعه‌شناسان معتقدند که بسیاری از رفتارهای انحرافی اکتسابی و قابل سرایت از شخصی به شخصی دیگر است. برای مثال، ساترلند می‌گوید: برای آنکه شخص تبهکار گردد، نخست باید یاد بگیرد که چگونه تبهکار شود. این فرایند یادگیری در اثر کنش متقابل فرد با دیگران حاصل می‌شود.

۳. ناسازگاری‌های فرهنگی و ساختار اجتماعی: هر جامعه نه‌تنها هدف‌های پذیرفته شده فرهنگی دارد، بلکه ابزار پذیرفته شده را نیز برای نیل به این هدف‌ها در اختیار دارد. هرگاه به عللی این ابزار در اختیار فرد گذارده نشود، احتمال می‌رود منحرف گردد. کتله بر این عقیده است که اجتماع مسئول تمام جرایم است؛ زیرا خود عامل به‌وجودآورنده آن است. اجتماع آلوده، از انسان‌های درست‌کار و پاک‌سرشت، موجوداتی ناسازگار، نادرست و ناپاک می‌آفریند و آنان را برای ایفای نقش‌های ناپسندآماده می‌سازد.

حال، در میان انحراف‌های گوناگون اجتماعی، «روسپی‌گری» به عنوان فساد و انحراف برخی زنان، پدیده‌ای خاص با چهره‌ای ویژه است. روسپی‌گری از کهن‌ترین و باسابقه‌ترین انحرافات بشری است که ردپای آن را می‌توان در طول تاریخ مشاهده کرد. این موضوع از قدیمی‌ترین تراژدی‌های تاریخ بشری بوده و هست.

قدمت و رواج روسپی‌گری تا بدان جاست که در بسیاری از سرزمین‌های کهن برای این پدیده خدایانی قایل بوده و برای آن نمادهایی ساخته‌اند. /یناری در میان پیروان مذهب «شینتو» علاوه بر خدای زایش و برنج، الهه روسپی‌گری است. از این‌رو، در آتن زنان روسپی به نام «آفرودیت» معابدی می‌ساختند و او را حامی و تکیه‌گاه خود می‌دانستند. به طور کلی، از قرن‌ها پیش از میلاد مسیح تاکنون - جز در مواردی نادر - مفهوم روسپی‌گری عبارت است از «برقراری رابطه جنسی با هدف کسب دست‌آوردهای مادی» بوده است. با این حال، صفحات تاریخ شهادت می‌دهند که در سراسر قرون و اعصار، این حاکمان و صاحب‌منصبان بوده‌اند که به صورت آشکار و نهان بالاترین بهره اقتصادی و سیاسی را از این رهگذر به چنگ آورده‌اند. برای نمونه، ۶۵۰ سال پیش از میلاد، در زمان حکومت ژو در چین در محله‌هایی گه با چراغ‌های خاصی آراسته شده بودند، روسپیان از تجار و صاحب‌منصبان پذیرایی می‌کردند و بدین‌سان از مهره‌های اساسی در رونق اقتصادی چین بودند. یافته‌های تاریخی نشان می‌دهد که، رومی‌ها نخستین افرادی بوده‌اند که در مغرب‌زمین برای روسپیان و روسپی‌خانه‌ها به طور رسمی جواز صادر کرده‌اند. این در حالی است که، شرقی‌ها قرن‌ها پیش از این تاریخ چنین می‌کرده و از این طریق همواره مالیات کلانی دریافت می‌داشته‌اند.

باید توجه داشت که پدیده‌های اجتماعی به دلیل ماهیت پیچیده‌شان کمتر با

رویکرد تک‌عاملی تبیین می‌شوند. بررسی و تحلیل عوامل مؤثر در انحرافات جنسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. عوامل تأثیرگذار در این زمینه می‌تواند متعدد و دارای جنبه‌های خرد و کلان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، شخصیتی، روانی و... باشد. امروزه جامعه جهانی ترغیب شده است تا با جدیت بیشتر بر رشد انسانی دختران تمرکز یابد و با دقت و نظر عمیق به مسأله ویژه و بسیار حساس ایشان پردازد؛ زیرا آغاز مشکلات جوامع را می‌توان در بی‌توجهی به نیمی از جمعیت مولد و زاینده جهان، به‌ویژه دختران، جستجو کرد. با توجه به ترسیم الگوی زن مسلمان بر اساس ابعاد فردی، اجتماعی و خانوادگی حضرت فاطمه زهرا (ع) و تدوین برنامه عملی ملی بر اساس الگوی فاطمی و نظر به نقش سازنده و بسزایی که زنان در رشد و ترقی فردی و اجتماعی جامعه دارند، چنانچه این قشر دچار نقیصه و آسیبی گردند، به همان نسبت می‌توانند به یکی از معضلات اساسی جامعه، به ویژه عاملی خانمان‌سوز و بنیان‌برافکن برای خانواده تبدیل شوند. از سوی دیگر، با توجه به موقعیت کشور عزیزمان و اهداف ترقی‌گرایانه - که از دغدغه‌های هر ایرانی، به ویژه مسئولین است - و نیز برای آنکه به جهانیان ثابت کنیم نام ایران و ایرانی همواره با فرهنگ، تمدن و پیش‌روی در عرصه‌های مختلف دانش، صنعت، کشاورزی و پژوهش گره خورده است، باید در درجه نخست به سلامت جامعه همت گماشت؛ چرا که این اهداف، در یک جامعه سالم، سریع‌تر و مطلوب‌تر تحقق خواهد یافت. از طرفی نیز جامعه سالم در گروه خانواده سالم و خانواده سالم وابسته به مادر و همسری سالم است. اگر سلامت جامعه به واسطه انحراف زن مخدوش گردد، پیامدهای این امر موجب می‌شود که به جای پرداختن به دغدغه‌های علمی و پژوهشی، اندیشه‌ها به سمت چهره‌ها و آثار این انحرافات معطوف گردد. از سوی دیگر، در یک جامعه سالم، به جای آنکه هزینه‌های گزاف صرف نگه‌داری و بازپروری زنان منحرف گردد،

در مواردی چون ارتقای کیفیت تحصیل، رشد فرهنگ، آگاهی جامعه و خانواده‌ها و ایجاد سالن‌های ورزشی و تفریحی هزینه می‌شود. ضمن آنکه این موارد خود می‌تواند از عوامل مهم و مؤثر در پیش‌گیری از انواع انحراف‌ها باشد.

حال، با توجه به مطالب یاد شده، انجام چنین پژوهش‌هایی ضروری و کارگشا به نظر می‌رسد. وظیفه سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار در اصلاح آسیب‌های اجتماعی است که با پرداختن به جنبه‌های گوناگون این پدیده تلخ و بررسی دیدگاه‌ها و راه‌کارهای مختلف، در ریشه‌کنی این معضل بنیان‌برانداز دست‌یاری به یکدیگر بپسارند و راه‌هایی برای پیش‌گیری و مقابله با آن ارائه نمایند. بر این اساس، پس از بررسی‌های مکرر نگارنده و مصاحبه با صاحب‌نظران و برخی افراد مسئول در مراکز نگهداری زنان، پژوهش حاضر، انحرافات جنسی در بانوان را «انحراف اجتماعی» به شمار آورده و با بررسی دیدگاه افراد متعدد در گروه‌های سنی مختلف، با فرهنگ‌ها، عقاید، میزان تحصیل و شغل‌های گوناگون و نیز بر اساس تجرد و تأهل این افراد به بررسی عوامل اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی مؤثر در انحراف جنسی زنان می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع «کاربردی» است. با توجه به ماهیت موضوع و هدف‌های این پژوهش از روش «توصیفی - پیمایشی» استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش ۱۷۸۲ نفر شامل تمام دانشجویان در همه رشته‌های موجود و تمامی کارکنان، مدیران، استادان، اعم از زن و مرد، متأهل و مجرد، شهری و روستایی است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردستان حضور دارند. از آنجا که درباره سوژه یاد شده تا کنون تحقیقی بدین صورت انجام نشده بود تا این واریانس مشخص باشد، برای برآورد این واریانس و تعیین حجم نمونه، ابتدا گروهی بیست نفره از افراد آزمودنی به صورت تصادفی انتخاب گردیده و از طریق توزیع

پرسش‌نامه در میان ایشان، واریانس محاسبه شد. بر اساس واریانس و فرمول حجم نمونه، به عنوان حجم نمونه ۱۳۲ نفر شامل ۸۵ نفر از میان دانشجویان، ۲۱ نفر از مدیران و استادان و ۲۶ نفر کارکنان انتخاب شدند. چون یکی از اهداف پژوهش، مقایسه دیدگاه‌های آزمودنی‌ها بود، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است.

جدول (۱) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت و به تفکیک نقش

پاسخ‌گویان	زن		مرد		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
استاد و مدیران	۶	۴/۵	۱۵	۱۱/۴	۲۱	۱۵/۹
دانشجویان	۳۶	۲۷/۳	۴۹	۳۷/۱	۸۵	۶۴/۴
کارکنان	۱۲	۹/۱	۱۴	۱۰/۶	۲۶	۱۹/۷

ابزار اندازه‌گیری و روش گردآوری داده‌ها: با توجه به اهداف پژوهش، از پرسش‌نامه به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است. اما چون پرسش‌نامه استاندارد در این زمینه وجود نداشت، از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده گردیده است. این پرسش‌نامه شامل ۶۶ سؤال بسته پاسخ از نوع مقیاس درجه‌بندی لیکرت و یک سؤال باز پاسخ می‌باشد که با توجه به سؤالات اساسی پژوهش و بر اساس مطالعات درباره پیشینه آن و همچنین تجربیات محقق و تبادل نظر با تنی چند از مشاوران و متخصصان در این زمینه تهیه شده است. روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا با استفاده از نظر متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. در مورد ضریب پایایی پرسش‌نامه از طریق فرمول آلفای کرونباخ (۹۴/۳۵) سطح ۰/۹۵ اطمینان برای پرسش‌نامه برآورد شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار (spss) انجام شده است. در سطح آمار توصیفی، با استفاده از آماره‌های آماری (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و در سطح آمار استنباطی، از آزمون‌های t تک‌متغیره، آزمون t با دو گروه مستقل و آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

پرسش یک. آیا عوامل خانوادگی در انحرافات جنسی زنان مؤثر است؟
جدول ۲. توزیع میانگین نمرات پاسخگویان در خصوص تأثیر عوامل خانوادگی در انحرافات جنسی زنان

T	Sing	S	X	عوامل خانوادگی و انحرافات جنسی
۱۶/۵۷	۰/۰۰۰	۰/۴۷۷	۳/۶۸۹	

با توجه به اینکه t مشاهده شده در انحرافات جنسی از بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۱ (۲/۳۲) بزرگ‌تر است، H_0 رد می‌شود و فرضیهٔ مقابل مبنی بر تأثیر عوامل خانوادگی در انحرافات جنسی زنان پذیرفته می‌شود.

به منظور بازیابی سؤال فوق، موارد ذیل مورد بررسی قرار گرفت، اما به لحاظ اختصار از رسم جداول مربوط خودداری گردیده، تنها به بیان برخی نتایج پرداخته می‌شود.

موارد بررسی

- الف. نقش ارتباط اعضای خانواده در انحرافات جنسی زنان.
 - ب. تأثیر عدم توجه به نیازهای زنان در انحرافات جنسی آنان.
 - ج. نقش نگرش، رفتار و آگاهی‌ها در این انحرافات.
 - د. تأثیر سنت‌ها، عقاید و قوانین مربوط به ازدواج در انحرافات جنسی زنان.
 - ه. تأثیر تجربه‌های جنسی یا مشاهدهٔ آن در دوران کودکی در این انحرافات.
 - و. تأثیر عوامل محیطی در این موضوع.
- به طور کلی، نتایج حاصل از بررسی پرسش‌های فوق نمایانگر آن است که آزمودنی‌ها عوامل ذیل را در انحراف جنسی زنان مؤثر دانسته‌اند:
- یک. نبود روابط سالم و صمیمی میان والدین؛
 - دو. عدم روابط صمیمی بین والدین و فرزندان دختر؛
 - سه. فراوانی جمعیت خانواده؛
 - چهار. عدم توجه به نیازهای عاطفی، روحی و جنسی زنان؛

پنج. تبعیض میان فرزندان دختر و پسر؛
 شش. نگرش‌های بدبینانه و عدم آگاهی از نیازهای جنسی دختران؛
 هفت. نبود آگاهی و رفتار نادرست در ارضای نیازهای جنسی توسط دختران؛
 هشت. نگرش‌های سنتی غلط در مورد ازدواج مجدد؛
 نه. ازدواج تحمیلی و سخت‌گیری‌های بی‌مورد در امر ازدواج؛
 ده. فاصله سنی زیاد زوجین؛
 یازده. مشاهده صحنه جنسی یا تجربه آن در دوران کودکی؛

دوازده. بی‌توجهی و نداشتن نسبت به محیط زندگی و حضور مهاجران خارجی.

پرسش دو. آیا عوامل فرهنگی در انحرافات جنسی زنان مؤثر است؟ (جدول ۳)

جدول ۳. توزیع میانگین نمرات پاسخ‌گویان درباره تأثیر عوامل فرهنگی در انحرافات جنسی زنان.

T	Sing	S	X	عوامل فرهنگی و انحرافات جنسی
۴/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۷۵۰	۳/۲۶۲	

با توجه به اینکه t مشاهده شده در انحرافات جنسی در سطح خطای $۰/۰۱$ ($۲/۳۲$) بزرگ‌تر است، H_0 رد می‌شود و فرضیه مقابل مبنی بر تأثیر عوامل فرهنگی در انحرافات جنسی زنان پذیرفته می‌شود.

به منظور بررسی سؤال فوق، نقش رسانه‌ها و امکانات تفریحی، ورزشی و مطالعاتی بر انحرافات جنسی زنان تحلیل و بازیابی گردید. نتایج حاصل از بررسی پرسش‌های فوق نشان دهنده آن است که، آزمودنی‌ها عواملی چون استفاده نادرست از تلفن همراه، دیدن تصاویر مبتذل از رسانه‌های گوناگون (تلویزیون، ویدئو، رایانه، اینترنت و...) و کمبود امکانات ورزشی، تفریحی و مطالعاتی را در انحراف جنسی زنان مؤثر دانسته‌اند.

پرسش سه. آیا عوامل اقتصادی در انحرافات جنسی زنان مؤثر است؟ (جدول ۴)

جدول ۴. توزیع میانگین نمرات پاسخ‌گویان در خصوص تأثیر عوامل اقتصادی در انحرافات جنسی زنان

T	Sing	S	X	عوامل اقتصادی و انحرافات جنسی
۲/۳۱۹	۰/۱۰	۰/۷۸۲	۳/۱۷۸	

با توجه به اینکه مشاهده شده در انحرافات جنسی در سطح خطای ۰/۰۱ (۲/۳۲) کوچک‌تر است، فرضیه صفر رد نمی‌شود و فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر عوامل اقتصادی در انحرافات جنسی زنان رد می‌گردد. به عبارت دیگر، عوامل اقتصادی در انحرافات جنسی زنان مؤثر نیست. به منظور بررسی پرسش یاد شده، تأثیر عواملی چون سرپرست خانوار بودن، اعتیاد و بیکاری سرپرست خانواده، سخت‌گیری مالی و رفاه اقتصادی، کمبود و هزینه فراوان استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی و مطالعاتی بر انحرافات جنسی زنان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که، آزمودنی‌ها عواملی چون سرپرست خانوار بودن، بیکاری همسر، اعتیاد وی، سخت‌گیری مالی و رفاه اقتصادی را از عوامل مؤثر در انحراف جنسی زنان شمردند، ولی بیکاری پدر خانواده و هزینه زیاد امکانات ورزشی، تفریحی و مطالعاتی را عامل مؤثر در این امر ندانستند.

همچنین نتایج حاصل از دیدگاه آزمودنی‌ها با توجه به متغیرهای جنس، شهری و روستایی، مجرد و متأهل بودن و نقش (استاد، مدیر، کارمند و دانشجو بودن) مورد مقایسه قرار گرفت که به لحاظ حاصل نتایج ذکر خواهد شد.

پرسش چهارم: آیا میان نظریات پاسخگویان زن و مرد در خصوص تأثیر عوامل

خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی در انحرافات جنسی زنان تفاوت وجود دارد؟

جدول ۵. مقایسه دیدگاه پاسخگویان زن و مرد درباره تأثیر عوامل خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی در انحرافات جنسی زنان.

P	T	مرد		زن		عوامل مؤثر در انحرافات جنسی
		S	X	S	X	
۰/۴۴۲	۰/۴۷	۰/۴۹۰	۳/۶۹۴	۰/۴۶۳	۳/۶۸۱	خانوادگی
۰/۳۵۵	۰/۳۷۳	۰/۷۷۵	۳/۲۴۲	۰/۷۱۷	۳/۲۹۱	فرهنگی
۰/۴۷۶	۰/۰۶۱	۰/۷۵۳	۳/۱۸۱	۰/۸۲۹	۳/۱۷۳	اقتصادی

با توجه به تفاوت بین میانگین‌های مشاهده شده در خصوص تأثیر عوامل خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی در انحرافات جنسی زنان در سطح $(P < 0/01)$

معنادار نیست. بنابراین، میان نظریات پاسخ‌گویان زن و مرد در خصوص تأثیر این عوامل در این موضوع تفاوت معناداری وجود ندارد.

پرسش پنج. آیا میان دیدگاه‌های پاسخ‌گویان مجرد و متأهل (زن و مرد) در مورد تأثیر عوامل خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی در انحرافات جنسی زنان تفاوت وجود دارد؟

جدول ۶. مقایسه نظریات پاسخ‌گویان مجرد و متأهل درباره تأثیر عوامل خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی در انحرافات جنسی زنان.

P	F	متأهل				مجرد				عوامل مؤثر در انحرافات جنسی خانوادگی
		مرد		زن		مرد		زن		
		S	X	S	X	S	X	S	X	
۰/۰۶۱	۳/۵۶۱	۰/۰۸۲	۳/۷۶۴	۰/۱۳۴	۴/۰۶۴	۰/۰۶۸	۳/۶۴۶	۰/۰۷۲	۳/۵۷۸	
۰/۱۷۵	۱/۸۷۵	۰/۱۳۱	۳/۳۴	۰/۲۱۳	۳/۷۴	۰/۱۰۹	۳/۱۷۱	۰/۱۱۴	۳/۱۶۴	فرهنگی
۰/۵۷۸	۰/۳۱۴	۰/۱۳۷	۳/۳۳۲	۰/۲۲۴	۳/۵۰۸	۰/۱۱۵	۳/۰۷۷	۰/۱۲۰	۳/۰۷۸	اقتصادی

با توجه به اینکه F مشاهده شده در خصوص تأثیر عوامل خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی در انحرافات جنسی در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار نمی‌باشد. بنابراین، میان دیدگاه پاسخ‌گویان زن و مرد متأهل و مجرد در مورد تأثیر عوامل یاد شده در انحرافات جنسی زنان تفاوت معنادار آماری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

پدیده‌های اجتماعی به جهت ماهیت پیچیده آنها کمتر با رویکرد تک‌عاملی تبیین می‌شوند. بررسی و تحلیل عوامل مؤثر در انحرافات جنسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این‌رو، این عوامل بسیار متعدد و دارای جنبه‌های خرد و کلان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، شخصیتی، روانی و... است. در پژوهش حاضر، با تأمل در جنبه‌های مختلف خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی به بررسی انحرافات جنسی زنان - که بر اساس مطالعات محقق و تجربیات چندساله محقق در امر مشاوره، در اولویت بررسی بود - از دیدگاه افرادی که قشر تحصیل‌کرده جامعه به شمار رفته و اکثریت آنان (۸۶/۶) را افراد (۱۸ - ۳۱) ساله تشکیل

می‌داد، پرداخته شده و همان‌گونه که نتایج جداول ۲ و ۳ و بررسی پاسخ‌های آزمودنی‌ها نیز نشان می‌دهد، پرسش‌های اول و دوم پژوهش مبنی بر تأثیر عوامل خانوادگی و فرهنگی در انحرافات جنسی زنان، در سطح ۹۹٪ اطمینان مورد تأیید قرار گرفت. چنانکه جامعه‌شناسان نیز بر این باورند که در میان این عوامل، خانواده از عوامل مهمی است که می‌تواند بیش‌ترین نقش را در جلوگیری از بروز انحرافات و جرایم اجتماعی ایفا نماید؛ همان‌گونه که می‌تواند عامل مؤثری در بروز رفتارهای انحرافی باشد. بنابراین، اگر محیط خانواده در دوران کودکی فرد، محیطی سالم، مناسب و بسامان باشد، احتمال مصونیت فرد از انجام رفتارهای انحرافی و نابهنجار بسیار فراوان است.

در پژوهش حاضر عوامل گوناگون خانوادگی، از جمله روابط والدین، جدایی آنان، رفتارهای ستیزه‌جویانه و روابط سرد در خانواده، مهاجرت و بی‌توجهی به سلامت و امنیت محیط اجتماعی، فراوانی جمعیت خانواده، ازدواج‌های تحمیلی، تفاوت زیاد سنی زوجین، سن ازدواج، بی‌توجهی به نیازهای عاطفی و جنسی زنان، عدم احترام و توجه به شخصیت زنان، فقدان آگاهی کافی نسبت به نیازهای جنسی و عواقب انحرافات جنسی، مشاهده صحنه‌های جنسی یا تجربه آن در دوران کودکی و... مورد توجه قرار گرفت.

از میان سؤالاتی که عوامل خانوادگی را مورد بررسی قرار می‌داد، پرسش شماره یک با ۹۰/۵٪ بیشترین درصد موافقت را به خود اختصاص داد؛ یعنی آزمودنی‌ها ارتباط صمیمانه والدین را مهم‌ترین عامل در جلوگیری از انحرافات جنسی دانستند. این در حالی است که، این میزان موافقت اعلام شده، بیش از اعلام موافقت در خصوص روابط صمیمانه یکی از والدین با دختران می‌باشد. حال هر دو رابطه یاد شده بر اساس این آزمون با ۸۶٪ اعلام موافقت نشان از آن دارد که گرچه روابط صمیمی میان والدین و فرزندان امری ضروری و مانعی

نیرومند در برابر انحراف است، اما روابط بین والدین مهم‌تر می‌باشد؛ زیرا اگر مربیان و مدیران خانواده، آگاه، مدبر و به واقع مدیرانی شایسته باشند، سایر ویژگی‌ها، روابط و رفتارهای مثبت نیز در سایه تدبیر و آگاهی رقم خواهد خورد. این موضوعی است که آزمودنی‌ها بدان واقف بوده‌اند و چنانچه والدین گرمی نیز از این حقیقت آگاه گردند، که مهم‌ترین عامل مشکلات دختران خود را به دست خویش رقم می‌زنند، امید می‌رود که در رفتارهای خود بیشتر تأمل و تجدید نظر نمایند.

همچنین پرسش‌های دیگری که بیشترین درصد موافقت را کسب نموده و آزمودنی‌ها بی‌توجهی به آنها را عامل اساسی انحراف جنسی زنان دانسته‌اند، به ترتیب عبارتند از: بی‌توجهی به نیازهای عاطفی دختران، بی‌توجهی به نیازهای جنسی همسر، عدم ارتباط صمیمانه پدر و دختر و عدم ارتباط صمیمانه مادر و دختر. درباره دو مورد اخیر با ۸۶٪ نظر موافق، به یک اندازه اعلام موافقت شده و این نشان دهنده این اصل است که ارتباط میان پدر و دختران باید به اندازه رابطه مادر و دختر صمیمی و دوستانه باشد؛ چراکه دختران به همان نسبت که به مادر و عواطف مادران نیاز دارند، به پدر و نوازش‌های پدرانه نیازمندند. چه بسیار دخترانی که به سبب بی‌مهری‌های پدر به انحرافات کشیده شده‌اند. چنانکه ۴۳/۵٪ زنان روسپی در زمان زندگی با خانواده به میزان زیادی کمبود محبت احساس کرده‌اند. این درحالی است که، از میان زنان عادی تنها ۲/۷٪ با این موقعیت روبه‌رو بوده‌اند. از این‌رو، باید توجه داشت پیش از آنکه فردی روسپی شود - به گونه‌ای که این عمل برای او به صورت یک شغل تعریف شود - زمینه‌های آسیب‌پذیری در او شکل می‌گیرد که از منظر روان‌شناسی اجتماعی در سوق دادن وی به همه اشکال عرضه و تقاضای جنسی مؤثر است. این زمینه‌ها و عوامل عبارتند از: فقدان حمایت اجتماعی، بدسرپرستی، فقدان پدر، مادر یا هر

دو، تجربه جنسی در دوران اولیه رشد، تجربه مکرر ناکامی، مقایسه اجتماعی، اجبار، پاداش، تجرد و نیاز جنسی، سبک‌های تربیتی ناموفق و...

۴

از زاویه‌ای دیگر، در بررسی عوامل فرهنگی انحراف جنسی زنان، به بررسی وسایل ارتباط جمعی، عوامل محیطی و امکانات فرهنگی پرداخته شده است. البته، درباره تأثیر وسایل ارتباط جمعی تحقیق جامعی صورت نگرفته است؛ زیرا تأثیر آن قابل مشاهده و به ویژه قابل کنترل نیست. در پژوهش حاضر، بر اساس سؤالات ۲۹، ۳۰ و ۳۱ هر یک با ۷۵/۵٪ - ۷۴٪ درصد موافقت به نحوی دیدن تصاویر محرک از طریق اینترنت و فیلم‌های ویدیویی، سینمایی و تلویزیونی را در انحرافات جنسی مؤثر دانسته‌اند. این نتیجه‌گیری بر اساس یافته‌های پژوهش شیخاوندی می‌باشد. ایشان بر این باورند که فیلم‌های سینمایی، تلویزیونی و ویدیویی از عوامل بسیار مؤثر در کژرفتاری و بزه‌کاری نوجوانان هستند و نمایش صحنه‌های هیجان‌انگیز و جنایت‌بار در تشدید کج‌روی‌ها اثر بسزایی دارد. بنابراین، همان‌گونه که رسانه‌ها دارای نقش‌های مثبتی چون اطلاع‌رسانی، کنترل اجتماعی و... هستند، می‌توانند آثار نامطلوبی چون عادی‌سازی هنجارشکنی، گسترش امواج جرم، خشونت و پرخاش‌گری و رواج فحشا و بی‌بندوباری در پی داشته باشند. با این حال، از آنجا که ما در عصر ارتباطات زندگی می‌کنیم و از استفاده انواع رسانه‌ها ناگزیریم، نتایج نشان از فقدان برنامه‌ریزی درست و به عبارتی عدم توجه به نیازها، نبود آموزش صحیح و ناآگاهی دارد. همچنان که نتایج سؤالات عدم آگاهی از نیازهای جنسی و نحوه صحیح برخورد با آن و عدم آگاهی از عواقب این موضوع با ۸۷/۸٪ و ۸۷/۲٪ بیشترین درصد موافقت را کسب کرده، شاهدهی بر این ادعاست و نشان از فقر آگاهی و آموزشی دارد.

از سویی دیگر، بر اساس نتایج جدول چهار آزمونی‌ها تأثیر عوامل اقتصادی در انحراف جنسی زنان را نسبت به سایر عوامل کمتر دانسته‌اند. در بررسی این

۲

پرسش، عواملی چون سرپرست خانوار بودن، بی‌کاری، نبود رفاه، کمبود امکانات تفریحی، ورزشی و فرهنگی و هزینه‌گراف استفاده از این امکانات مورد بررسی قرار گرفت که عواملی چون سرپرستی خانوار، بیکاری و کمبود امکانات از عوامل مؤثر در انحرافات شناخته شد. چنانکه آمارها نشان می‌دهند، بیش از یک میلیون زن سرپرست خانوار در ایران وجود دارند که میزان فقر و بی‌سوادیشان به شکل معناداری از متوسط عمومی بالاتر است و صرف نظر از مشکلات اقتصادی، بحران‌های روحی ناشی از احساس تنهایی و عدم پشتوانه عاطفی بحران‌های جنسی را به همراه دارد. در بررسی پرسش یاد شده عواملی چون بیکاری پدر خانواده و هزینه‌گراف امکانات تفریحی و فرهنگی عوامل مؤثری دانسته نشد. شاید یکی از دلایل عمده این نتیجه آن است که، قریب به (۸۶٪/۶) آزمون شوندگان را قشر جوان تشکیل می‌داد که بیش از (۶۶٪) آنها مجرد بودند و چنانکه در مباحث پیشین نیز ذکر شد، غالب جوانان تمایل به انحرافات جنسی را ناشی از کمبود محبت، عدم روابط سالم و صمیمی با والدین، کمبودهای عاطفی و عدم توجه به شخصیت دانسته‌اند. همچنان که در تحقیقی (۷۰٪/۱) سن ورود به روسپی‌گری بین (۱۷ - ۲۸) سالگی بوده و همچنین (۴۴٪/۲) از زنان روسپی نزد خانواده خود احساس بی‌ارزشی می‌کرده‌اند. در حالی که، این احساس منفی در (۳٪/۴) زنان عادی وجود داشته که به این امر گرایش یافته‌اند. همچنین از آنجا که بیش از نیمی از پاسخگویان را افراد مجرد تشکیل می‌دهند، توجه اقتصادی انحراف جنسی زنان را مسئولیت و سرپرستی خانواده دانسته‌اند؛ چنانکه نتایج سؤالات مربوط به تأثیر بیکاری همسران و پدران کاملاً متضاد یکدیگر حاصل شد. بنابراین، هرچند انگیزه‌های اقتصادی بی‌تأثیر نیست، ولی قدرت عوامل خانوادگی، فرهنگی و محیطی می‌تواند بر این انگیزه‌ها نیز برتری یابد. این نتیجه با نتایج تحقیق سارتلند و لاک هم‌خوانی دارد. چنانکه پس از بررسی ده

هزار فرد زاغه‌نشین اعلام داشتند که فقر به تنهایی عامل به وجود آورنده کجروی نیست، بلکه عوامل متعدد فردی و اجتماعی، از جمله روابط سرد خانواده، جدایی از همسر و تعارض در رفتار و احساس، عواملی مؤثر می‌باشند.

از این‌رو، در دنیای امروز سخن گفتن از انحرافات و پیامدهای آن و آن‌گاه سر بر گوش مردم آوردن و زمزمه‌های ناصحانه سر دادن، رفتاری ساده‌انگارانه و بسیار غیر مسئولانه است؛ چرا که در جوامع پیچیده امروزی عملکرد همه نهادهای اجتماعی متأثر از یکدیگر است و پیداست که در چنین تصویری هیچ نظام و نهادی به اندازه خانواده برخورد دیگر نهادها را آینه‌وار منعکس نمی‌کند. آری، در دنیای امروز، خانواده به خوبی منعکس کننده رویدادهای جامعه است. بنابراین، گرچه یافته‌های این تحقیق نیز مؤید آن است که از هم‌گسیختگی نهاد خانواده، روابط سرد و خشونت‌آمیز در آن، ازدواج تحمیلی، بی‌توجهی به نیازهای عاطفی و جنسی و... زمینه‌های مهمی برای به انحراف کشیده شدن زنان محسوب می‌شوند، اما - چنانکه در پژوهش نیز مشهود است - در بیشتر موارد، بیکاری، مهاجرت و ناآشنایی با محیط - که خود معلول عواملی چون جستجوی کار یا کسب درآمد بیشتر می‌باشد - علل اصلی انحرافات و برهم خوردن روابط خانوادگی‌اند. پیداست در جامعه‌ای که شمار فراوانی از افراد جویای کار با درهای بسته روبه‌رو می‌شوند، جامعه‌ای که در آن شکاف اقتصادی میان افراد غوغا می‌کند، جامعه‌ای که نوجوان آن هم به آسانی می‌تواند مواد مخدر تهیه و حتی پخش کند، آسیب‌های اجتماعی گسترش یافته، فراگیر می‌شود. چنانکه بر اساس اعلام اداره آمار ناجا شمار افراد ربوده شده به دلیل انگیزه‌های جنسی، از ۴۵ نفر در سال ۱۳۷۶ به ۳۳۴ نفر در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است.

به هر حال، بر اساس نتایج تحقیق، برخی از عوامل مؤثر در انحرافات جنسی

زنان عبارتند از:

- الف. روابط ناسالم، غیر دوستانه و خشونت‌آمیز میان والدین؛
- ب. روابط سرد و خشونت‌آمیز والدین و فرزندان؛
- ج. عدم توجه به نیازهای عاطفی، جنسی و شخصیتی زنان؛
- د. عدم آگاهی از نیازهای جنسی و برخورد صحیح با آن، همچنین ناآگاهی از عواقب انحرافات جنسی و سرکوبی شدید امیال جنسی؛
- ه. ازدواج تحمیلی، فاصله زیاد سنی زوجین و سخت‌گیری در ازدواج؛
- و. مورد تجاوز واقع شدن در دوران کودکی و مشاهده رفتارهای جنسی و تصاویر محرک [نتایج تحقیقی در مورد زنان روسپی تهران نشان می‌دهد ۲۲/۵٪ از آنان در سن ۵ سالگی و توسط محارم مورد تجاوز قرار گرفته‌اند؛
- ز. تبعیض میان دختران و پسران؛
- ح. سخت‌گیری مالی خانواده یا همسر؛
- ط. زیادی جمعیت خانواده؛
- ی. مهاجرت و عدم توجه به سلامت محیط؛
- ک. اعتیاد اعضای خانواده؛
- ل. بی‌سوادی والدین؛
- م. فقر و بیکاری خانواده؛
- ن. فقدان امکانات و هزینه گزاف استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، آموزنده و سرگرم کننده برای بانوان.
- مورد اخیر از عوامل عمده به شمار می‌رود و نشان می‌دهد که باید برای پر کردن اوقات فراغت زنان بیش از پیش چاره اندیشید.
- آری، در پی این بررسی‌هاست که پرسش‌های متعددی ذهن‌ها را به خود معطوف می‌دارد:
- آیا به واقع چه عواملی است که مانع از ارائه روش‌های جلوگیری از این مصایب است؟

پیشنهادها و راه‌بردها

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، به منظور پیش‌گیری از این انحرافات و مقابله با گسترش آن راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

یک. برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب و مطلوب برای دختران جهت ارائه آگاهی‌های لازم درباره ویژگی‌های جسمی، ذهنی، عاطفی و جنسی ایشان و چگونگی برخورد مناسب با آنها از دوران بلوغ؛

دو. تقویت کمی و کیفی کلاس‌های آموزش خانواده با تأکید بیشتر بر توجه به ویژگی‌های شخصیتی، جنسی و عاطفی فرزندان - به ویژه دختران و مادران - و الزام والدین به شرکت در این کلاس‌ها؛

سه. توجه بیشتر و برنامه‌ریزی صحیح در سیاست‌گذاری کشور برای گذراندن اوقات فراغت زنان در تمام گروه‌های سنی و به‌ویژه بانوان خانه‌دار؛

چهار. گسترش مراکز رفاهی، تفریحی، ورزشی و آموزشی مناسب، مطلوب و با هزینه دولت برای اوقات فراغت زنان؛

پنج. تشکیل کلاس‌های آموزشی مطلوب در مورد چگونگی نگهداری فرزندان و نحوه صحیح رفتار با آنان متناسب با سن، جنس و نیازهایشان و الزام والدین به گذراندن این آموزش و اعلام نقش آن در ثبت نام فرزندان در مدرسه؛

شش. ایجاد مراکز حمایت از زنان و دختران آسیب دیده از خانواده (همسر یا والدین) و نگهداری آنان تا زمان رفع مشکل ایشان با قطعیت. (اجرای این بند نه تنها از هزینه فراوان مراکز نگهداری زنان بزهکار، همچون بهزیستی، زندان و... می‌کاهد، بلکه موجب می‌شود که در ابتدا از متواری شدن دختران و زنان از خانواده و جامعه به سبب عدم امنیت عاطفی و روانی جلوگیری نماید - چنانکه شمار دختران فراری در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۶۵ بیست برابر شده است، در وهله دوم مانع از برچسب‌هایی چون خیابانی، فراری و زندانی گردد،

در مرحله، سوم، موجب می‌شود که خانواده‌ها و جامعه بیشتر مراقب رفتار خود با زنان بوده، در رعایت حقوق ایشان سعی نمایند؛ زیرا در صورت عدم رعایت، با قانون و مراکز قانونی مواجه خواهند بود. در مرحله چهارم می‌تواند راهی برای دسته از زنان باشد که کسب امنیت عاطفی و روانی از همسران خویش را با تمهید مهریه‌های سنگین پی می‌گیرند؛

هفت. تضمین امنیت اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه، به ویژه زنان سرپرست خانوار و مبارزه با تورم از طریق ثبات اقتصادی؛

هشت. تسهیل ازدواج جوانان به واسطه تأمین شغل، مسکن و جهیزیه؛
نه. تدوین برنامه‌های کاهش رشد جمعیت، مهار مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ و تأمین امکانات شغلی و رفاهی در روستاها و مناطق محروم، به منظور جلوگیری از مهاجرت بیکاران این نقاط به شهرهای بزرگ.

پی‌نوشت‌ها

۱. هدایت‌الله ستوده، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۸.
- ۲ Doob.
- ۳ A.K. Cohen.
- ۴ A. Inklez.
۵. هدایت‌الله ستوده، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۳۶.
- ۶ Sutherland.
- ۷ Quetelet.
۸. هدایت‌الله ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۶۹.
- ۹ Jolin. A, On the Backs of working prostitutes: Feminist Theory and prostitution policy. P 109 – 83.
- ۱۰ Inari.
- ۱۱ Gregersen. E, Sexual practices.
۱۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریان‌پور، ص ۳۳۸.
- ۱۳ Jolin. A, On the Backs of working prostitutes: Feminist Theory and prostitution policy. P 109 – 83.
- ۱۴ ov.
- ۱۵ Gregersen. E, Sexual practices.
۱۶. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریان‌پور، ص ۳۳۸.
۱۷. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ص ۸۶.
۱۸. هما فرانی، بهداشت روانی در دختران و زنان جوان، ص ۳۸.
۱۹. مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، «زن از نگاهی دیگر» پاسدار اسلام ش ۲۴۹، ص ۲۷.
۲۰. زهره سرمد، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، ص ۹ - ۲۰.
- ۲۱ Alpha - Cronbach.
۲۲. هدایت‌الله ستوده، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۷۳.
۲۳. شهین علیایی، عوامل تن دادن زنان به وسیله‌گری، ص ۲۹۳.
۲۴. ر.ک: مجید ابهری، «بررسی معضل روسپی‌گری با صاحب‌نظران»، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی بانوان ۱۶.
۲۵. هدایت‌الله ستوده، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۳۲.
۲۶. داور شیخاوندی، جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، ص ۱۴.

۲۷. محمدرضا ضمیری، «رسانه‌ها و انحرافات جنسی»، کتاب *زنان ۱*، ص ۴۵.
۲۸. مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، «زن از نگاهی دیگر»، *پاسدار اسلام* ۲۴۹، ص ۲۹.
۲۹. شهین علیایی، «عوامل تن دادن زنان به روسپی‌گری»، *مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران*، ص ۳۵۰.
۳۰. محمدحسین فرجاد، *آسیب‌شناسی کجروی‌های اجتماعی*، ص ۶۸.
۳۱. سیدرضا حسینی، «نگاهی به آمار جرایم در ایران، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران*، ص ۸۳.
۳۲. رضا رمضان‌نرگسی، «تجاوز و بزه دیدگی»، کتاب *زنان ۲۳*، ص ۲۳.
۳۳. کنایون مصری، *زنان قربانیان آسیب جامعه‌اند*، ص ۲۶.

منابع

- ابهری، مجید، «بررسی معضل روسپی‌گری با صاحب‌نظران»، شورای فرهنگی - اجتماعی بانوان، ش ۱۶، ۱۳۸۱.
- پاسدار اسلام، «زن از نگاهی دیگر»، مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ش ۲۴۹، ۱۳۸۳.
- حسینی، سیدرضا، نگاهی به آمار جرایم در ایران، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، ج ۱، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۱.
- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی و امیرحسین آریان‌پور، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، نگاه، ۱۳۶۸.
- رمضان‌نرگسی، رضا، تجاوز و بزه‌دیدگی زنان، فصلنامه کتاب زنان، ش ۲۳، ۱۳۸۳.
- ستوده، هدایت‌الله، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، ۱۳۸۶ و ۱۳۷۳.
- شیخاوندی، داور، جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی، نشر و بخش کتاب، تهران، ۱۳۵۳.
- ضمیری، محمدرضا، رسانه‌ها و انحرافات جنسی، کتاب زنان، ش ۸، ۱۳۸۲.
- علیایی، شهین، «عوامل تن دادن زنان به روسپی‌گری»، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، آگاه، ۱۳۸۴.
- فرانی، هما، بهداشت روانی در دختران و زنان جوان، مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۷۵.
- فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی کجروی‌های اجتماعی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، تهران، ۱۳۸۶.
- قاسمی روشن، ابراهیم، «توان‌مندی خانواده در پیش‌گیری از انحرافات اجتماعی»، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ش ۱۷، ۱۳۸۲.
- مصری، کتایون، «زنان قربانیان آسیب جامعه‌اند»، دو ماهنامه حقوق زنان، ش ۲۶ (مهر و آبان)، مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۴.
- Doob, C.B, *Sociology: An Introduction*. New York: Longman, 2ed, 1988.
- Gregersen. E, *Sexual practices*. New York: Franklin Walls Company, 1983.
- Jolin. A, *On the Backs of working prostitutes: Feminist Theory and prostitution policy*. Crime and Delinquency, 40: 109 - 83.